

برنامه‌ریزی در حوزه عمومی (از شناخت تا عمل)

(Planning in the public domain: from knowledge to action.)

نویسنده: جان فریدمن

مترجم: عارف اقوامی مقدم

تهران؛ ۱۳۸۷

ناشر: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۴۶۰ صفحه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

نورالدین لطیفی

و می-گوید هر چند کمک‌ها و مساعدت‌های بنتهام در رابطه با روش‌شناسی‌های نوخاسته‌ی برنامه‌ریزی با اهمیت بودند، با این حال سن سیمون را می-بایست در واقع پدر علم برنامه‌ریزی لقب داد. آنچه سن سیمون به مثابه فیزیولوژی اجتماعی از آن سخن می‌گوید، بیانگر تصویری از هیأت اجتماعی است که پزشکان آن جامعه، دانشمندان آن خواهند بود و مهندسين در خدمت بشریت قرار خواهند گرفت. مهندسين (اجتماعی) به جهت آشنایی با قوانین ارگانیک جامعه، قادر خواهند بود آگاهانه مسیر آینده را طبق برنامه‌ی جامع تنظیم نمایند و سپس به ارتباط با برنامه‌ریزی و سیاست می‌پردازد. به زعم فریدمن شناخت در سیاستگذاری و یا برنامه‌ریزی، مابه‌ازای بیرونی ندارد. وی با نقل قول از اتزیونی اشاره می‌کند که: برنامه‌ریزی نیروی هدایتی محسوب می‌شود و نیز تاگول می‌گوید:

مادامی که برنامه‌ریزی در خدمت منافع خاص قرار دارد، راهنما تلقی نمی‌شود. تنها زمانی که تفاوت‌های اقتصادی را هدف قرار دهد، به نیروی وحدت بخش، سازنده، انسجام بخش و در حقیقت نیروی عام مبدل می‌شود. و به نقل از پوپر می‌نویسد:

آنچه را من تحت عنوان توصیه‌های مهندسی اتوپایی در بازسازی

اثر برجسته‌ی جان فریدمن استاد دانشگاه UCLA کالیفرنیا (در زمان تألیف) می‌باشد. این کتاب نزدیک به پنج سال کار مداوم نویسنده را دربر داشته است و به وسیله‌ی عارف اقوامی مقدم ترجمه شده است و در مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. کتاب در دو بخش و ۱۰ فصل تنظیم گردیده است. بخش نخست: مفاهیم (قلمرو و نظریه‌ی برنامه‌ریزی) این بخش با بحثی تحت عنوان عقلانیت بازار و عقلانیت اجتماعی آغاز می‌شود. عقلانیت بازار ریشه در مفاهیم تجربیدی فردگرایی مالکانه دارد. طبق این آموزه خرد به طور منطقی بر جامعه مقدم است و ارضای نیازهای مادی مبنای منطقی زندگی مردم در گروه‌های اجتماعی تلقی می‌شود. آموزه متعارض عقلانیت اجتماعی که طی قرن بیستم تشخیص یافت، فرضیه‌ی مخالف فرض عقلانیت بازار ارائه کرد:

در این بخش، به انواع برنامه‌ریزی می‌پردازد و حوزه‌ی مستقل و وابسته را تشریح می‌نماید.

در بخش دوم، به سابقه‌ی برنامه‌ریزی در جهان می‌پردازد و از قرن نوزدهم با تشریح آثار متفکران علوم اجتماعی به این حوزه می‌پردازد

جامعه به عنوان یک کل نقد می‌کنم، تحولات بنیان‌کنی است که به جهت محدودیت تجربه، محاسبه‌ی نتایج عملی آن بسیار دشوار می‌باشد. مهندسی مذکور نوعی برنامه‌ریزی عقلانی برای کل جامعه است، حال آن‌که ما نمی‌توانیم چنین شناختی را به دست آوریم، زیرا تجربه‌ی عملی کافی از این قسم برنامه‌ریزی و شناخت واقعیت‌ها که می‌بایست به تجارب متکی باشد، نداریم؛ در حال حاضر شناخت جامعه‌شناختی ضرور برای مهندسی کلان، مقیاس به زبان ساده وجود خارجی ندارد.

فریدمن در فصل دوم کتاب ضمن بررسی آراء و نظرات مختلف اهداف و رویکردهای برنامه‌ریزی را به عنوان هدایت اجتماعی، بسیج اجتماعی و یادگیری اجتماعی تبیین می‌نماید.

در فصل سوم به مقولات در حال تکوین برنامه‌ریزی می‌پردازد. وی در این فصل به بحران برنامه‌ریزی می‌پردازد و می‌گوید:

منظور من از بحران برنامه‌ریزی، بحران جریان اصلی برنامه‌ریزی توسط دولت می‌باشد، یعنی این بحران ایده‌ی هدایت اجتماعی را دربر گرفته است، شاید برخی‌ها آن را بحران دولت بنامند. به بیان دقیق کلمه، بحران برنامه‌ریزی، بحران توانایی دولت برای ارضاء نیازهای مشروع مردم است. وی سپس این بحران را در سه برش مطرح می‌سازد:

- بحران شناخت
- گام‌های شتاب آلوده رویدادهای تاریخی
- ماهیت غیرقابل پیش‌بینی رویدادهایی است که ما با آن مواجهیم
وی سپس به بحث بازسازی می‌پردازد و معتقد است که سرمایه‌داری صنعتی هم هزینه و هم سود به وجود می‌آورد. هنگامی که هزینه و منافع بر مبنای معیارهای اجتماعی مرتبط و بر مبنای یا در مقیاس جهانی محاسبه شود، این احتمال وجود دارد که هزینه‌های رشد مستمر به واسطه‌ی افزایش مازاد که موجد وضعیت ذاتاً ناپایدار که نمی‌تواند بدون محدودیت تداوم یابد، بر منافع پیشی گیرد. (بحران اقتصادی حال حاضر نوعی از این برآیند است)

وی سپس در فصل نهم کتاب به بحث احیاء جامعه‌ی سیاسی می‌پردازد و می‌گوید:

هر جامعه‌ی معین سیاسی، مشخصاً سلطه‌ی خود را بر یک دوره‌ی زندگی که در هر حال بر قلمرو فیزیکی محدود است، تعمیم می‌دهد. اعضای جامعه، به واسطه‌ی زندگی مشترک و جمعی در یک دوره‌ی زمانی و برای نسل‌ها، دارای تاریخ مشترک، عمل به گفتن مشترک فرهنگی و لحاظ سنت‌های معین سیاسی هستند.

وی در این بخش سعی دارد با توجه به تنوع و گستردگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به احیاء جامعه‌ی سیاسی بپردازد و بحث دیدگاه‌های مارکسیستی، لیبرالیستی و... می‌پردازد؛ و سعی دارد تعارضات نظام سرمایه‌داری را تشریح نماید. و معتقد است که جامعه‌ی سیاسی

در فصل آخر (دهم) بحث برنامه‌ریزی رادیکال ختم می‌شود. وی می‌گوید: کنش رادیکال می‌بایست به واسطه‌ی نظریه‌ای مناسب هدایت و از نظریه اشباع گردد. کنش رادیکال بدون نظریه‌ی دگرگونی ساختاری هیچ تاب و توانی ندارد.

وی سپس نظریه‌ی دگرگون کننده را مجموعه‌ای از گزاره‌های کاملاً مرتبط پیچیده درباره‌ی جهان می‌داند. به زعم من نقش محوری برنامه‌ریزی رادیکال شامل میانجی‌گری نظریه‌ی تحول‌گرا با کنش رادیکال است و برنامه‌ریزان می‌بایست در انجام این کار از سنت یادگیری اجتماعی کمک بگیرند.

در مجموع در کتاب وی برنامه‌ریزی به مفهوم تجربی و مکاشفه‌ای به کار گرفته شده و به موازات کشف الگوهایی از خرد فنی در حوزه‌ی عمومی در خدمت ما قرار گرفته است. با این حال وقتی وارد حوزه‌ی برنامه‌ریزی رادیکال می‌شویم، به این نکته پی می‌بریم که می‌باید از سنن هدایت اجتماعی، گام فراتر نهاده و شرایط گفتن را دگرگون سازیم.

دولت سرمایه‌داری صنعتی در کشورهای جهان اول به هیچ وجه در حال اضمحلال نیست. سخن گفتن از تحلیل اتوریته آن‌ها به معنای فروپاشی فوری آن نیست و با ماندن دولت در دست تکنوکرات‌ها نگرش سن سیمونی با باور به تفوق مفهوم پیشرفت نامحدود دوام خواهد آورد.

وضعیتی که هم اینک برنامه‌ریزان با آن مواجهند، بسیار شبیه رژیم‌های قدیمی در فرانسه به هنگام مرگ شاه بود. بدین قرار که مردم به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند و فریاد می‌زدند: شاه مرد، زنده باد شاه! ما با اندیشه‌ی برنامه‌ریزی در پس ذهن، بدان تمایل داریم که عبارت مذکور را تکرار کنیم. برنامه‌ریزی دوره‌ی قدیم مرد، اما ما نمی‌توانیم بدون برنامه‌ریزی سر کنیم.

در خاتمه به نقل از مانوئل کاستلز در خصوص این کتاب می‌نویسد که:

کتاب حاضر به احتمال برترین اثر دو دهه‌ی گذشته در خصوص نظریه‌ی برنامه‌ریزی است و بی‌تردید برای سالیان متممادی به عنوان مرجعی عمده باقی خواهد ماند. در واقع اثر حاضر کتابی در حوزه‌ی فلسفه‌ی سیاسی است که می‌تواند برای تمامی مخاطبان مبانی شناخت شناسی علوم اجتماعی و سیاستگذاری عمومی جالب توجه باشد.